

## مشرق زمین؛ سر چشمه‌دین و تمدن

ادوار تاریخ بشر: ۱ - ما قبل تاریخ (عصر حجر

قدیم و جدید - عصر مفرغ و آهن) - آدم و انسان های

باستان ۲ - دوره تاریخی ۳ - قرون وسطی - عصر تمدن

اسلامی - مشرق زمین قهرمان تمدن - مشرق زمین؛ سر-

چشمه‌ادیان و پیامبران ۴ - دوره تجدد - دوره معاصر

اجازه بدهید قبل از آنکه وارد اصل بحث شویم ، دست یکدیگر را گرفته و باهم سفر

کوتاهی بکنیم . البته اطمینان میدهم قبل از آنکه خسته شوید ، از این سفر بازگشته و باز

هم محیط خود را در جلوه دیدگان بنگریم ؛ در این سفر و سیاحت که در طول زندگی بشر انجام

میشود ، از تحقیقات باستان‌شناسان استفاده میکنیم و از دل تاریخ تا عصر حاضر را ضمن چند

لحظه مریمایم! :

### عصر حجر قدیم (۱)

یکمیلیون سال به عقب برگردید ! ... در شصت کیلومتری پیمپینگ در غاری در

چوگوتین ، جمجمه یکن را که قدیمیترین جمجمه انسانی است و با کمی تفاوت بجمجمه

بشر کنونی شباهت دارد می بینید قدیمیترین دست افزارهای بشری که از سنگ ساخته شده در اطراف

این جمجمه چشم میخورد

از این نقطه مبهم و باور نکردنی تاریخ سرعت پیش آید و سراسر دوران حجر

قدیم را که تا حدود هفت هزار سال قبل از میلاد ادامه دارد ، بنگرید ؛ آثار و استخوانها

(۱) برای تهیه مطالب مربوط به عصر حجر و فلزات از کتاب تاریخ تمدن ویل

دورانت ترجمه احمد آرام صفحات : ۱۴۰ تا ۱۷۵ و ۴۴۷ تا ۴۴۹ و ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۹

استفاده شده است

و جمجمه‌های انسانی این دوره را ، که مخصوصاً از ۱۲۵ هزار سال قبل از میلاد ؛ بپند فراوان دیده میشود ، مطالعه کنید ؛ چگونگی ازسنگ با اشکال ساده و ابتدایی ، چکش و رنده و سرنیزه فراهم کرده است ، تنها باسید و شکار ؛ آنهم باسنگ و چوب سد رنق میکند او ؛ چه فتح بزرگی کرد ؛ درجهل هزار سال قبل از میلاد که توانست آتشی بیافروزد و با آن غذایی طبخ کرده و برظلمت شب پیروز شود ؛ تا اینجا از وحشت جانوران آرامش نداریم ؛ بین مرگ و زندگی دست و پامیزنیم و با پرتاب سنگ از خود دفاع میکنیم و بگوشه غارها پناه میبریم ، بگذارید خیلی زود از دوره خفقان آور حجر قدیم بگذریم و با تماشای نقاشیهای (آلتامبرا) و مجسمه‌هاییکه با نقاشیهای ابتدایی و ساده تهیه شده است ، این دوره را بدرود گوئیم .

### عصر حجر جدید

اکنون بیش از ده هزار سال تا زمان موعود فاصله نداریم ، در این دوره ابزار کارمان ازسنگ است ، منتهی سنگ را تراشیده و صیقلی کرده‌ایم ، کم‌کم با کشاورزی آشنا شده‌ایم ، جانوران را اهلی کردیم ، از گل خمیر شده در مقابل آتش و آفتاب ؛ ظروف سفالین تهیه کردیم و احیاناً علامات مبهمی که رمز احساسات و افکار درونی ما بود ، بر این ظروف بجای گذاردیم چوب و سنگ را رویهم انباشته کرده و کلبه‌ای ساختیم ؛ کم‌کم دارد دورنمای زندگی انسانی جلوه میکند ؛ و میتوان امیدوار بود که از حیوانات پیش‌اقتیم و آرزوی خواجگی و فرمانروایی مطلق زمین را درس پرورانیم ، در اینجا با حل يك اشکال عصر حجر را بکلی ترک گفته و سراغ دوره فلزات میرویم .

### آدم و انسانهای باستان

تاکنون سخن از بشر چند صد هزار سال و احیاناً یک میلیون سال قبل بود . شاید اگر در این همه دامنه عمر و قدمت بشر تردید کنیم ؛ لااقل مجبور باشیم که ؛ وجود بشر را ، با شواهد زیاد باستانی ، در حدود صد هزار سال قبل بپذیریم و هنوز هم آن انتظار می‌رود که با پیشرفت دامنه فعالیت باستان شناسان اخبار شنیدنی‌تر از سر گذشت و عمر طولانی بشر بشنویم .

از طرفی میبینیم که روایات تاریخی ادیان - که اغلب مستند بمدارک یهودی است - پیدایش آدم را در حدود هشت هزار سال قبل میداند با آنکه پدر بزرگ این فرزندان طبق بیان قرآن و سایر کتب آسمانی آدم است ، چگونه میتوان بین این دو داستان جمع کرد ؛ ؛ برای حل این معما ، احتمالاً میتوان ادعا کرد ؛ بر بشر تاکنون ادواری گذشته

باشد و همانطور که باستان شناسان اظهار میکنند که در گذشته تمدنهایی بوجود آمده و خیلی هم اوج گرفته است ( البته بصورت تمدن ماشینی و میکانیکی در نیامده ) و سرانجام يك پارچه منقرض شده است و تنها در گوشه غارها و در اعماق زمین ؛ بزحمت میتوان آثار مبهمی از آن پیدا کرد .

همینطور ممکن است ؛ بشر هم تا کنون ، يك یا چند دفعه ؛ همراه با تمدن خود منقرض شده باشد و آخرین دوره او که هنوز با نقراض عمومی منتهی نشده ( و انتظار میرود که با تکمیل موشکها و اهتمام صلح طلبان ؛ خاور و باختر در آستانه انقراض قرار گیرد ) ، این دوره از آدم شروع شده باشد .

روایاتی که بیان میکنند که قبل از آدم ، آدمهایی بوده است مؤید این مدعا است . ( ۱ )

### عصر فلزات

چهار هزار سال پیشتر تا میلاد مسیح نمانده است ، که فلزات درام رام میکنیم و برای ساختن افزار زندگی ، مس و رفته رفته آهن را استخدام مینماییم حکومت تشکیل میدهم ، حجاری و معماری ترقی میکند ، اهرام و مقابر و کاخهای عظیم ساخته میشود ، جسد ها مومیائی میگردد ، القبا و خط اختراع میشود .

سرزمین بابل با همه جلال و شکوهش ، شاهد تندرویهای نمرود است ، ابراهیم قهرمان توحید ، با پدخدایان مجسم و از همه بالاتر نمرود را درهم بشکند ، و سرانجام پس از مسافرتهاى مصر و فلسطین ؛ بسرزمین خشک و وادی بی آب و علف - حجاز روی آورده و بدستباری فرزندش اسماعیل خانه توحید را بنیان نهد . سالها بعد ؛ یوسف نواده همین ابراهیم براریکه قدرت مصر تکیه میزند و عظمت تمدن باستان مصر را با نشر برنامه های آسمانی توحید ؛ فروغ و جلای دیگری میبخشد ، بنی اسرائیل در مصر نشو و نما میکنند ، قرنها میگردد ، بنی اسرائیل محکوم فراعنه میشوند ، قیام الهی موسی دستگاہ ظلم فرعون را متزلزل میکند ، بنی - اسرائیل از چنگال فرعون نجات پیدا میکنند ، دین بزرگه یهود ، در سرزمین تیه و سرانجام فلسطین بر رهبری موسی ؛ پدید میآید .

خلاصه بشر در این دوره ، در کلیه شئون تمدن پیش میرود ، دین بزرگی پامیکرد ؛ قانون وضع میشود ، بازرگانی ؛ صنعت ؛ هنر ؛ خط و بالاخره عناصر مهم تمدن بنیان - گذاری میشود .

۱ - سفینه البحار ج ۲ صفحه ۲۲۹ ، البته این موضوع نیازمند توضیح بیشتری است که

از بحث ما خارج است و در موقع مناسب تری بیان خواهد شد .

## دوره تاریخی...

بیش از ۷۵۰ سال تا میلاد فاصله نداریم ، از این بعد تاریخ توانسته است حوادث را ثبت کند ؛ این دوره با تشکیل رژیم سلطنتی در رم آغاز میشود ؛ دوقرن بعد ؛ کورش بنیان شاهنشاهی عظیم ایران را می‌گزارد ، در این دوره زردشت افکار خود را در ایران پراکنده می‌کند ، بودادهند فلسفه دینی خود را بنیان می‌نهد .

کنفوسیوس و لائوتسه در چین و ژاپون ، بساط فلسفه و ارشاد خود را پهن کرده‌اند ، یونان در افکار فلسفی اوج می‌گیرد ، تا آنجا که ارسطو و افلاطون را در دامن خود می‌پروراند .

بالاخره در این دوره اوج استعداد دینی ، عیسی مسیح را مبعوث می‌کند ، روح جهان‌گیری اسکندر را می‌پروراند ، وسعت حکومت ایران و روم را بر کلیه ملل متمدن - جز هند و چین - حاکم میکند ، عمق تفکر فلسفی ، ارسطو و افلاطون را پدید می‌آورد ، و مسائل ارتباط پزشکی صنایع ، ساختمانها از مظاهر بارز این دوره است در این عصر ، اروپا در تمدن سهیم است ولی خواهیم دید که تمدن خود را از تمدنهای کهن شرقی پارت برده است .

## قرون وسطی - تمدن اسلامی

این دوره هزار ساله که از سال ۴۷۶ میلادی یعنی موقمی که آتیلا امپراطور روم غربی را کشته و پستلطورم غربی در حوزة مدیترانه خاتمه میدهد آغاز میشود شاهد حوادث فراوانی است خاور و باختر در دست درد و نقطه مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند . در اروپا بساط ملوک الطوائفی پهن شده ، حکومت‌های عظیم متزلزل میشود ، شرائط ترقی فکر و فلسفه درهم شکسته میشود ، کلیسا علاوه از قدرت روحانی ، حکومت فکری را هم در دست گرفته است ، و حتی غیر مستقیم قدرت مادی و نظامی را هم قبضه کرده است ظلمت ، جهل ، وحشی‌گری ، خونریزی و پراکندگی ، اینهاست مشخصات بارز قرون وسطی در اروپا .

امادر مشرق : در این دوره تمدن اسلامی پدید آمده و باوج کمال خویش میرسد ، آسیا و افریقای شمالی و قسمتی از خاک اروپا را در بر میگیرد .

مدارس ؛ دانشگاهها ، کتابخانه ها ، آزمایشگاهها ، بیمارستان ها ؛ ساختمانها در مراکز تمدن اسلامی ، فراوان بچشم می‌خورند ، ترجمه و تالیف ، بحث و تفکر زیاد میشود ، علوم و فلسفه باستان یونان و خاور دور و میانها ، مورد بحث قرار میگیرد ، و با فکر آزاد و عمیق اسلامی تحلیل و تجزیه میشود و با تکیاء معارف و تربیت و تفکر اسلامی ، مدنیت مشرق‌زمین عظیم بنیان‌گذاری میشود .

در این دوره جنگهای صلیبی ؛ و رفتار و حشبانه اروپاییان مسیحی نسبت بمسلمین و

مراکز تمدن آنان؛ کوس رسوایی اروپا را در تاریخ میزنند و از این رهگذر - چنانکه خواهیم دید - تمدن اسلامی با اروپا وارد میشود. قهلا بمتوان شاهد در جمله زیر دقت کنید تا بنوبه خود این بحث را مشروحاً بررسی کنیم :

کاترین ب. شی یی می گوید: (۱) دهنگامیکه مجاهدین صلیبی به سرزمینهای کافران (معمودش مسلمین است) تاختمند؛ مسلمانان از کارهای خشن ایشان در شگفت شدند؛ زیرا اروپاییان از کارهای مردانی مانند رازی و ابن سینا اطلاع نداشتند و هرگز حرفی در باره بیمارستانهایی مانند بیمارستانهای قاهره و بغداد نشنیده بودند. بعدها اطلاعات پزشکی که صلیبی ها با خود آوردند؛ تاثیر عمیقی در اروپا کرد.

### مشرق زمین؛ قهرمان تمدن

تاکنون قهرمان داستان تمدن مشرق زمین است؛ و از دوره تجدد که اروپا علمدار تمدن میشود، آن نیز تمدن خود را مرهون تمدنهای باستانی شرقی و اسلامی میداند؛ بنا بر این سرچشمه و مایه کلیه ادوار تمدن را باید در مشرق جستجو کرد و گذشته از آنکه اولین جرمه انسانی که احتمالاً متعلق بیک میلیون سال قبل است؛ در قطه‌ئی از چین یافت میشود تمدن دوره مغز نیز در مشرق زمین دوهزار سال قبل از اروپا شروع میشود و عصر آهن نیز در آسیا هشتصد سال بر اروپا تقدم دارد و همچنین کلیه آثار تمدن در مشرق سابقه بیشتری دارد؛ بطوری که ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن خود، پرده اول نمایشنامه تاریخ مدنیت را؛ دلتای حاصلخیز رودخانه‌های بین‌النهرین میداند و در جای دیگر کتاب خود (۲) عناصر هشتمین تمدن (کار - دولت - اخلاق - دین - علم - فلسفه - ادبیات - هنر) را مفصل مورد بررسی قرار داده و اثبات میکند که هر یک از اینها، بتفاوت، از سرزمینهای مصر - بابل - هند - سومر - عیلام - چین - بین‌النهرین - آشور سرچشمه گرفته است، و روشن است که تمام این سرزمینها متعلق بمشرق زمین است؛ بنا بر این بیجهت نیست که میگوید :

د اروپا و امریکا فرزند و نواده خود خواه آسیا میباشد و هرگز بارزش میراث دیرین خود پی نبرده‌اند.

باروشن شدن این مطلب، زمینه برای حل اشکال ذیل فراهم میگردد :

### مشرق زمین، سرچشمه ادیان و پیغمبران

گاهی سؤال میشود که چرا تمام پیغمبران و ادیان بزرگ در مشرق زمین پدید آمده‌اند

مگر اروپا احتیاج به پیغمبر ندارد ؟

باید گفت خواه و ناخواه پیدایش دین با تمدن رابطه دارد . بهر اندازه مردمی بیشتر متراکم شده و بنای زندگی اجتماعی بگذارند ، تصادم منافع آنان زیادتر شده ؛ و در روابط و حدود زندگی اجتماعی احتیاج بیشتری بقانون پیدا میکنند و این خود ایجاب میکند که پیغمبری برانگیخته شده و دین آسمانی پدید آید .

والا مردمی که آواره و دور از همه تشریفات و قیود اجتماعی ؛ پراکنده ادامه حیات میدهند ، از دین فقط شناختن خدائی میخواهند که در پیشگاهش خضوع کنند و از او در گرفتاریها کمک جویند ، و دستورات ساده و ابتدائی میخواهند که با آن بزنگی ساده دینی خود سر و سامانی بخشند و هنوز شایستگی پدید آمدن دین بزرگ و وسیعی را ندارند . بنا بر این اگر ادیان معروف و بزرگ در این منطقه پیداشده جای تعجب نیست . و بالاخره تمدن تقاضای دین دارد و این هر دو با هم همدوشند .

بنابر این از هر جا که تمدن سرچشمه گرفته ؛ باید از همانجا هم دین ، پدید آید و از این سرچشمه ، همراه با سایر عناصر تمدن سایر نقاط جهان بسط پیدا کند . در بالادانستیم که مشرق زمین گاهواره تمدن است ، پس چرا سرچشمه ادیان هم نباشد ؟

اسلام هم که آخرین و کاملترین ادیان و پرچمدار عمیقترین تمدنها است ، از هرستان ؛ نقطه ای از همین مشرق زمین برخاسته و بر بسط زمین گسترده میشود .

### دوره تجدید

این دوره با ورود سلطان محمد فاتح دوم به کنستانتینابل (استانبول) و برجیده شدن بساط روم شرقی بسال ۱۴۵۳ شروع میشود .

در این دوره ، دولت معظم ، مانند آلمان و اطریش و انگلستان و فرانسه در اروپا پا گرفت کشف قطب نما نقش مؤثری در بسط تمدن این دوره بازی کرد .

چه براهنمائی آن اوقیانوس اطلس را طی کرده و آمریکا را کشف می کنند از طرفی پرتغالیها سواحل آفریقای غربی را طی کرده و از دماغه جنوب آفریقا (دماغه امید) وارد اقیانوس هند شده و به هندوستان میرسند (یا با سلاطین اروپائیها هند را کشف می کنند) .

هند چندین هزار ساله را (۱۱۱۱) سر انجام انگلیسها باین سر زمین وارد شده و این مملکت زر خیز و وسیع را تحت استعمار در خود در می آورند که بالاخره در سال ۱۹۴۷ آزاد می شود .

از مشخصات این دوره ، نهضت فکری و علمی ، بسط قدرتها ، تشکیل دولتها

ایجاد روابط بین‌الملل ، بسط مستعمرات ، رامیتوان نام برد .  
 اختراع چاپ بتوسعه علم و فرهنگ کمک می‌کند ، و اختراع باروت زمینه را برای تقویت  
 جنگ و کشتن انسانها فراهم مینماید . . . . .

قدرت پاپ درهم شکسته و تجزیه میشود ، هانری هشتم ، پادشاه انگلستان با عسبان ملایه  
 پاپ وجدا کردن کلیسای انگلستان از کلیسای مرکزی روم و تشکیل فرقه مرکزی انگلوکن  
 در این امر پیشقدم میشود ؛ و دامنه این تجزیه و فرقه بندی و تحدید قدرت پاپ بسایر کشورهای  
 اروپائی سرایت میکند ، مسیحیت تجزیه میشود و حکومت قرون وسطائی پاپ جزو تاریخ قرار  
 میگیرد !

در مقابل ، سلاطین علاوه از قدرت نظامی و سیاسی ، حکومت ممنوی و روحانی را هم در  
 دست میگیرند ، و کار با آنها میرسد که احیاناً خود را مبعوث از طرف پروردگار ! میدانند

### دوره معاصر

انقلاب کبیر فرانسه ، سال ۱۷۸۹ ، بهمه چیز ننگ نوی میدهد ، دنیا ، دنیای صنعت  
 میشود ، شالوده افکار ، سیاستها ، رژیم حکومتها ؛ قوانین ، روابط ملل و حتی دامنا جنگها  
 عوض میشود ، اختراعات و اکتشافات بسرعت پیش رفته ، و بالاخره همه چیز مکانیزه  
 میشود .

اخیراً مقدمات تسخیر فضا و از طرفی بیداری مانهای زجر دیده و استعمار زده شرقی و نهضت  
 آزادی بخش آنان و بالاخره بمبهای اتمی و هیدروژنی و آنچه را که هنوز باید ببینیم از مشخصات  
 این دوره است .

اکنون سفر کوتاه ما پایان رسیده ، از این پس هدف خود که مطالعه تمدن اسلامی  
 است بر میگردیم .

## حصار عدالت !

یکی از فرمانداران نامهای بحضور امیر مؤمنان علی (ع) نوشته و در  
 طی آن گزارش میدهد ؛ که : یاروی یکی از شهرها خراب شده است ، و  
 تقاضا میکند که حضرتش اجازه دهد تا مجدداً برای شهر مزبور بارونی ساخته  
 شود .

حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند : اما بعد قصصها بالعدل و نق طرقها  
 من الجور !

یعنی : با حصار عدالت ، شهر را حفظ کن ، و راه آنرا از خانه ناک ظلم پاک  
 گردان ! (تاریخ یعقوبی جلد ۳)